



### تخلیه خانه‌های دولتی در بلخ؛

## بازنشسته‌گان فابریکه کودوبرق تاچهارم عید فرصت دارند



رئیس طالبان برای فابریکه کود و برق در ولایت بلخ به بازنشسته‌گان این فابریکه تولیدی دستور داده است که تا چهارم عید رمضان خانه‌های دولتی را تخلیه کنند. بازنشسته‌گان این فابریکه اما حاضر به ترک خانه‌های دولتی نیستند و می‌گویند که عمر خود را صرف خدمت در این فابریکه کرده‌اند و اکنون حق دارند تا پایان عمر در این خانه‌ها زنده‌گی کنند. اعضای اتحادیه کارگران فابریکه کود و برق نیز می‌گویند که طالبان در نزدیک به دو سال گذشته از راه‌های مختلف بالای کارگران و...



## مسدود بودن مکتب‌ها؛

## دانش‌آموزان دختر؛

# به افسرده‌گی و اختلال روانی مبتلا شده‌ایم

### افزایش بهای پیاز و بادنجان رومی در کابل؛

## شهروندان توان خرید ندارند

## مهاجران افغانستان مانع سخنرانی دیپلمات‌های طالبان در ایران شدند

صبح ۸ صبح، کابل: منابع آگاه می‌گویند که مهاجران افغانستان در ایران، مانع سخنرانی سفیر و دیپلمات‌های طالبان در تهران شدند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که قرار بود سفیر و دیپلمات‌های طالبان در ایران، پیش از ادای نماز جمعه، ۱۱ حمل، در میان مهاجران افغانستان در منطقه نعمت‌آباد تهران سخنرانی کنند، اما با واکنش تند مهاجران مواجه شدند. در نوارهای تصویری که به دسترس روزنامه ۸ صبح قرار گرفته است، نیز دیده می‌شود که جمع بزرگی از مهاجران افغانستان بر ضد طالبان شعار می‌دهند. آنان با شعارهای «مرگ بر طالب»، «مرگ بر تروریست» و «تروریست آمده» مانع سخنرانی سفیر و دیپلمات‌های طالبان شده‌اند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که چندی پیش ایران، سفارت افغانستان در تهران را به طالبان سپرده است. در آن زمان نیز، این اقدام با واکنش‌های تند داخلی و خارجی مواجه شده بود.



## نگرانی دبیرکل پیمان امنیت جمعی در مورد خطر نفوذ تروریسم از افغانستان

متحدان ما در سازمان پیمان امنیت جمعی وجود دارد. این چندمین بار است که اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی در مورد خطر تروریسم از افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند. طالبان همواره گفته‌اند که هیچ تهدیدی از خاک افغانستان متوجه کشورهای دیگر نیست. گفتنی است که اخیراً تحركات گروه‌های مختلف تروریستی از جمله داعش در خاک افغانستان افزایش یافته و از شروع سال ۲۰۲۳ تاکنون این گروه توانسته دست‌کم شش حمله بر مواضع طالبان انجام دهد.

## امارات متحده عربی بیش از ۳۸ تن مواد به افغانستان کمک کرد

صبح ۸ صبح، کابل: معاونت اقتصادی ریاست‌الوزاری طالبان از این کمک استقبال کرده و خواستار گسترش آن نیز شده‌اند. گفتنی است که پس از تسلط طالبان در افغانستان، شمار زیادی از شهروندان کشور به دلیل بیکاری با وضعیت دشوار اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حوادث طبیعی اخیر در نقاط مختلف کشور نیز آسیب‌های زیادی به شهروندان وارد کرده است.

صبح ۸ صبح، کابل: دبیر کل پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه از آن چه او افزایش خطر نفوذ گروه‌های تروریستی می‌خواند، ابراز نگرانی کرده است. تاس‌گزارش داده است که ایمانقلی تاسماگامیتوف روز جمعه، ۱۱ حمل، در نشست با مقامات ارشد دبیرخانه و ستاد مشترک سازمان پیمان امنیت جمعی گفته که گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان در حال تقویت مواضع‌شان هستند. تاسماگامیتوف افزوده است: «جدا از گروه‌های تروریستی مختلف، نیروهای تولید و قاچاق مواد مخدر نیز در حال تقویت مواضع‌شان در افغانستان هستند.» او هشدار داده است: «خطر نفوذ گروه‌های تروریستی و افکار افراطی به سرزمین‌های

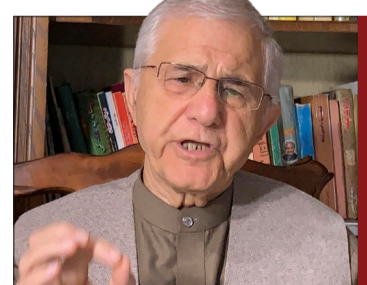
## دوراهی ناامیدی

وضعیت عمومی در افغانستان «تراژیک» است. وضعیت تراژیک به وضعیتی گفته می‌شود که هر انتخابی پیامدهای ناگوار در پی داشته باشد. در حال حاضر مردم در دوراهی انتخاب گیر مانده‌اند که هر دو گزینه برای‌شان تبعات منفی...



## بلای شعر در سیاست

رابطه شعر و سیاست حساس و بحث‌برانگیز است. شاعران در جامعه ما اعتبار بسیار دارند و به شعر و کلام منظوم آنان خیلی ارج گذاشته می‌شود. دلیل این جایگاه در عناصر شکل‌دهنده شعر و نقشی است که شعر در سیاست و فرهنگ...



## انفجار ماین منفجرنشده در زابل؛ یک مرد کشته و سه کودک زخمی شدند

صبح ۸ صبح، زابل: منابع محلی در ولایت زابل می‌گویند که در اثر انفجار ماین منفجرنشده در این ولایت، یک تن کشته و سه کودک زخمی شده‌اند. منابع روز جمعه، ۱۱ حمل، می‌گویند که این رویداد در منطقه «سرخوگانو»ی ولسوالی شاهجوی ولایت زابل زمانی رخ داده که یک تراکتور کوچی‌ها از کنار آن می‌گذشته است. به گفته منابع، این ماین توسط طالبان جاسازی شده بود و از چند سال به این سو در آن مکان منفجرنشده باقی مانده بود. زخمیان این رویداد به مرکز صحنی در ولسوالی شاهجوی منتقل شده‌اند. گفتنی است که ماین‌های منفجرنشده هزارگانه‌ی جان شهروندان کشور را گرفته است. در آخرین مورد روز گذشته در اثر انفجار هاوان در ولایت هلمند دست‌کم دو کودک زخمی شدند.





کمیسیون مستقل حقوق بشر این برخورد طالبان با دختران را خلاف ارزش‌های حقوق بشری و مغایر عرف اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان دانسته و آن را به شدت نکوهش کرده است. از نظر این کمیسیون، حق آموزش با استناد به اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون جهانی حقوق کودکان که نزدیک به ۲۰۰ کشور آن را به رسمیت شناخته‌اند، از حقوق اساسی بشر پنداشته می‌شود.

از سوی دیگر، ۲۵ شبکه فعال حقوق زن و ۱۴۹ فعال مدنی در پیوند به پنج صدوپنجاهمین روز بسته ماندن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران، این کار را «تنگ تاریخی» در قرن بیست‌ویکم خوانده‌اند. در اعلامیه این شبکه‌ها و فعالان مدنی از جامعه جهانی خواسته شده که اقدام‌های «هماهنگ و جسورانه» برای بازگشایی مکاتب‌های دخترانه در افغانستان روی دست گیرند.

### واکنش‌های بین‌المللی در مورد بسته بودن مکاتب‌های دخترانه

جامعه جهانی به شمول سازمان ملل متحد از آغازین روزهای بسته شدن مکاتب‌های دخترانه در افغانستان تاکنون بارها با صدور بیانیه‌های جداگانه از طالبان خواسته‌اند که دروازه‌های مکاتب‌ها را به روی دختران باز کنند؛ در خواستی که از سوی طالبان پذیرفته نشده است. در تازه‌ترین مورد، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان و شماری از کارشناسان این سازمان، در اواخر حوت سال گذشته خورشیدی از طالبان خواستند که دروازه‌های مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها را به گونه فوری به روی دختران و زنان باز کنند. آنان با صدور بیانیه‌ای، از جامعه جهانی خواستند که فشارهای بیشتری بر طالبان وارد کند.

در همین حال، تام وست، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا برای افغانستان، در آغاز سال جدید خورشیدی خواستار بازگشت دختران و زنان به مکتب و کار شده است. او در پیامش به مناسبت جشن نوروز گفته است: «چون نوروز زمان تجدید، خوش‌بینی و آغاز بهار است، بزرگ‌ترین امید ما این است که دختران و زنان افغانستان به مکتب و کار برگردند.»

این‌همه در حالی است که پیش از این، توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، در توییتی خاطرنشان ساخته است که طالبان تعهد قاطع برای بازگشایی مکاتب‌های دخترانه ندادند. در بخشی از توییت آقای نیکلاسون آمده است: «از ۱۸ ماه به این سو مکاتب‌ها بسته است. در ماه دسامبر مقام‌های طالبان دروازه‌های دانشگاه‌ها را نیز به روی دختران بستند. من برای سال آینده و پس از نوروز هیچ تعهدی را درباره بازگشایی مکاتب‌ها نمی‌بینم.»

در جریان دست‌کم دو سال حاکمیت طالبان در افغانستان، همه کشورهای منطقه و جهان از این گروه خواسته‌اند که دروازه‌های مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها را به روی دختران و زنان باز کنند. طالبان اما پیوسته تأکید دارند که تا فراهم شدن شرایط، دختران در خانه بمانند. تاکاشی اوکادا، سفیر جاپان برای افغانستان، در حوت ۱۴۰۱ خورشیدی در دیدار با سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت تعلیم طالبان، از این گروه خواسته بود تا دروازه‌های مکاتب‌های دخترانه را در سال جدید آموزشی به روی دختران باز کند.

مسدود بودن مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران و زنان در افغانستان در حالی به مساله‌ای جدی بدل شده است که رهبران طالبان در نزدیک به دو سال گذشته نتوانسته‌اند در مورد حق آموزش و تحصیل دختران به توافق برسند. تاکنون چندین مقام این گروه در مورد فرمان‌های محدودکننده رهبر طالبان واکنش نشان داده‌اند؛ اقدامی که از سوی سخنگوی رهبرشان اطاعت می‌کنند.

این‌همه در حالی است که پیش از این روزنامه ۸صبح به سندی دست یافته که نشان می‌دهد طالبان محتوای کتاب‌های کنونی مکاتب‌ها را متناسب با ایدئولوژی خود تغییر می‌دهند. «کمیته بازنگری نصاب مکاتب عصری» طالبان ملاحظاتی خود را در ۲۶ بند در این سند گنجانده است که مهم‌ترین بخش‌های آن توجیه خون‌ریزی، نفی مردم‌سالاری و مخالفت با آموزش و آزادی‌های زنان است.

دانش‌آموزان دختر در حالی تداوم مسدود بودن مکاتب‌ها را عامل اختلال‌های روانی خود می‌دانند که پیش از این سازمان نجات کودکان (Save The Children) گفته است که از هر چهار دختر در افغانستان، یک تن آنان دچار افسردگی و اضطراب است.



امیدوارشان بسازم به باز شدن مکاتب‌ها و ادامه تحصیل؛ اما امید دادن در شرایط فعلی مشکل است؛ چون قوانین سخت‌گیرانه حاکمان کشور حتا با احکام دین اسلام در تضاد است. این بیشتر آینده‌سازان و دختران و مادران جامعه را ناامید و متاثر می‌سازد.» سهیلا، آموزگار دیگری است. او اما دیدگاه متفاوتی نسبت به آموزشی در زیر سایه حاکمیت طالبان دارد. سهیلا می‌گوید: «مسدود بودن مکاتب‌ها رنج بزرگ و معضل کلان کشور است؛ اما وقتی به نصاب آموزشی طالب‌ها فکر می‌کنم، از این‌که اولاد مردم به جنگ و خشونت و افراطیت سوق داده شوند، بهتر است خانه‌نشین باشند. باز شدن مکاتب‌های دختران در صورتی کار نیک است که تعهدی وجود داشته باشد که نصاب دوره جمهوری‌تدریس می‌شود. در غیر آن، از مکتب مدرسه‌هایی ساخته خواهد شد که برابندش طالبان هستند.»

### دلایل طالبان برای بسته ماندن مکاتب‌های دخترانه

طالبان پس از مسدود شدن دروازه‌های مکاتب‌های دخترانه با واکنش‌های تند داخلی و خارجی مواجه شده‌اند. این گروه در موقعیت‌های خاص بهانه‌های مختلفی آورده‌اند. مقام‌های این گروه در ۵۵۸ روز گذشته جدایی صنف‌ها، تغییر در لباس دختران و آموزگاران و مشکلات فرهنگی را بهانه‌ای برای تداوم مسدود بودن مکاتب‌ها اعلام کرده‌اند.

### تغییر لباس دختران و آموزگاران

وزارت معارف طالبان در اول حمل سال ۱۴۰۱ خورشیدی پس از آن‌که از تصمیم این گروه مبنی بر بازگشایی مکاتب‌های دخترانه سر باز زد، سخنگویان‌شان اعلام کردند، پس از آن‌که طرح لباس دانش‌آموزان دختر مطابق با «قوانین شرعی و سنتی افغانستان» عیار شد، مکاتب‌ها به روی دختران باز می‌شود؛ اما پس از یک سال هنوزهم از این طرح اطلاعی در دست نیست. این در حالی است که یونیفورم دانش‌آموزان دختر در دو دهه گذشته مطابق ارزش‌های دینی عیار شده بود؛ لباس سیاه و چادر سفید.

### تغییر در نصاب آموزشی

مقام‌های طالبان پس از اعتراض‌های گسترده شهروندان مبنی بر مسدود ماندن مکاتب‌های دخترانه در افغانستان، اعلام کردند که با آوردن تغییرات در نصاب آموزشی، دروازه‌های مکاتب‌ها به روی دختران باز خواهد شد. پیش از این روزنامه ۸صبح نیز به سندی دست یافته است که طالبان «خون و نفرت» را شامل نصاب آموزشی معارف می‌سازند، اما از این تغییر نیز تاکنون اطلاعی در دست نیست.

### مشکلات فرهنگی

نورالله منیر، سرپرست پیشین وزارت معارف طالبان، دلیل مسدود بودن مکاتب‌های دخترانه را مشکلات فرهنگی عنوان کرده است. او گفته است: «مردم با تعلیم دختران نه، بلکه با بیرون شدن دختران‌شان از خانه حساسیت دارند و فرهنگ افغان‌ها در این قسمت سخت حساس است.»

### واکنش‌های داخلی در مورد بسته بودن مکاتب‌های دخترانه

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مسدود ماندن مکاتب‌های دخترانه را «ظالمانه و شرم‌آور» خوانده است. این کمیسیون روز دوشنبه، ۷ حمل، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که طالبان با بسته نگه‌داشتن دروازه مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران، میلیون‌ها تن را در خانه‌ها زندانی کرده‌اند.

“

وزارت معارف طالبان در آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی اعلام کرد که سال آموزشی در همه مناطق سردسیر کشور شروع شده است. به گفته مقام‌های این وزارت، دانش‌آموزان دختر تنها تا صنف ششم می‌توانند به مکتب بروند.

## مسدود بودن مکاتب‌ها؛

## دانش‌آموزان دختر:

# به افسرده‌گی و اختلال روانی مبتلا شده‌ایم



امین کاوه

باز شدن مکاتب [هستم]، ولی برای بازگشایی مکاتب هر بار وعده داده می‌شود، اما عمل در کار نیست. دو سال شده که ما روی مکتب را ندیده‌ایم. دروازه مکاتب به روی ما بند است. به نظرم زنده‌گی ارزش خود را از دست داده است. زنده‌گی بدون آموزش و علم، معنای خاصی ندارد. همین درس و تعلیم است که زنده‌گی را رنگ می‌بخشد و ما را از سایر مخلوقات متمایز می‌سازد، اما متأسفانه این حق دو سال شده که از ما گرفته شده است.»

این دانش‌آموز ادامه مسدودیت مکاتب‌ها و وضع محدودیت علیه دختران و زنان را عقب‌گرد می‌خواند و می‌افزاید: «اول مکاتب بند شد و بعداً دانشگاه‌ها و حتا دروازه آموزشگاه‌ها به روی ما مسدود شده که این واقعا ناامیدکننده است. ما در عصر تکنولوژی زنده‌گی می‌کنیم و می‌بینیم که دنیا به کجا رسیده است. به ماه و مریخ رسیده است. ولی ما متأسفانه به عقب برمی‌گردیم. مطمئن هستم که اکثریت دختران افسرده‌گی و نوعی اختلال روانی پیدا کرده‌اند که این [مسدود بودن مکاتب‌ها] عواقب ناگواری در پیش دارد.» مقدس نوری علاوه می‌کند: «از مقامات [طالبان] تقاضا می‌کنم به این مساله رسیده‌گی کنند و هر چه زودتر دروازه مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی دختران باز کنند تا از زبانی که قرار است به زنان و جامعه به خاطر مسدود ماندن مکاتب یا بسته ماندن دانشگاه‌ها و منع آموزش به وقوع بپیوندد، جلوگیری شود.»

همچنان فرشته سحر، کودک ۱۳ ساله است که از رفتن به مکتب بازمانده است. این دانش‌آموز از سازمان ملل متحد می‌خواهد تا برای بازگشایی دروازه‌های مکاتب‌های دخترانه تلاش کند. او می‌گوید: «فرشته سحر هستم، ۱۳ ساله، در کابل زنده‌گی می‌کنم. صنف ششم را تمام کرده‌ام و مدت دو سال است که درهای مکاتب به روی دختران بالاتر از صنف ششم مسدود است. من و هم‌سن‌وسال‌هایم منتظر باز شدن مکاتب هستیم. از سازمان ملل توجه جدی می‌خواهیم که مکاتب را به روی دختران بالاتر از صنف ششم باز کند تا آرزوهای دختران افغان به حقیقت تبدیل شود.»

### دیدگاه آموزگاران زن در مورد مسدود بودن مکاتب‌های دختران

نظیفه نبی احمدی، یکی از آموزگاران، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «من که یک معلم هستم و هدف من تربیت سالم فرزندان فعلی و مادران آینده مملکت است، حس می‌کنم دیگر نمی‌توانم به راه و مرامی که برای آینده دختران جوان دارم برسیم؛ چون حاکمان فعلی [طالبان] اجازه نمی‌دهند که دختران ما به درس و تعلیم‌شان ادامه بدهند و به اهداف بلند و والایی که دارند، دست یابند.»

این آموزگار وقتی با پرسش دانش‌آموزانش مواجه می‌شود، مایوس می‌گردد؛ زیرا به گفته او، پاسخ قناعت‌بخشی برای آن‌ها ندارد. خانم نبی احمدی می‌افزاید: «گاهی اوقات شاگردانم را می‌بینم و آنان از شروع دروس‌شان سوال می‌کنند. به خاطر نداشتن جواب امیدبخش به دخترانی که امید و آرزوی رسیدن به اهداف‌شان را از دست می‌دهند، خیلی متاثر می‌شوم. کوشش می‌کنم با کلمات امیدبخش

از مسدود شدن مکاتب‌های متوسطه و لیسه به روی دختران در افغانستان ۵۵۸ روز می‌گذرد. در این مدت طالبان افزون بر بستن دروازه‌های مکاتب‌ها، دانشگاه‌ها را نیز به روی زنان و دختران بسته‌اند. مقام‌های بلندپایه طالبان تنها به منع آموزش دختران بسنده نکرده، بلکه دختران و زنان را از بیشتر حقوق و آزادی‌های فردی محروم ساخته‌اند. طالبان پس از تسلط بر افغانستان به رغم فشارهای جامعه جهانی، سیاست‌های تندروانه حاکمیت دور نخست خود را در کشور پیاده کرده‌اند. پیش از این انتظار می‌رفت که طالبان دروازه‌های مکاتب‌های دخترانه را در سال جدید آموزشی بازگشایی کنند، اما وزارت معارف این گروه زنگ مکتب را بدون حضور دختران بالاتر از صنف ششم نواخته است. دبیرکل سازمان ملل متحد سال گذشته این اقدام طالبان را «شرم‌آور» خوانده بود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز منع آموزش دختران را «شرم‌آور» توصیف می‌کند و خواستار بازگشایی بی‌درنگ مکاتب به روی دختران است. افزون بر این، ۲۵ شبکه و ۱۴۹ فعال مدنی نیز مسدود بودن مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران و زنان را «تنگ تاریخی» خوانده‌اند. دانش‌آموزان دختر اما می‌گویند که به افسرده‌گی و اختلال‌های روانی مبتلا شده‌اند. به گفته آنان، آرزوهای‌شان به باد رفته است و دیگر امیدی به آینده ندارند.

وزارت معارف طالبان در آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی اعلام کرد که سال آموزشی در همه مناطق سردسیر کشور شروع شده است. به گفته مقام‌های این وزارت، دانش‌آموزان دختر تنها تا صنف ششم می‌توانند به مکتب بروند. عزیزاحمد ریان، رییس دفتر سرپرست وزارت معارف طالبان، در هنگام نواختن زنگ مکتب در کابل گفته است: «دختران دانش‌آموز در فضای مصون که همه اصول شرعی در آن رعایت شود و همه کارمندان اداری و معلمان آن زنان باشند، به مکتب خواهند رفت.»

با این حال، دانش‌آموزان دختر که پیش از این انتظار بازگشایی دروازه‌های مکاتب‌ها را داشتند، اکنون می‌گویند که دیگر امیدی به وعده‌های طالبان ندارند و از همین رو، بیشترشان با مشکلات روحی و روانی گرفتار شده‌اند.

### دیدگاه دانش‌آموزان دختر در مورد مسدود بودن مکاتب‌ها

دانش‌آموزان دختر ادامه مسدود بودن مکاتب‌ها و تغییر نصاب آموزشی را «قاتل آرزوهای» خود توصیف می‌کنند. به گفته آنان، طالبان با این کار افغانستان را در کام «افراطیت و جهالت» فرو می‌برند. شماری از این دانش‌آموزان در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که در نتیجه بسته ماندن مکاتب‌های دخترانه، در کنار پیامدهای ویرانگر آن در عرصه آموزش و توسعه، سلامت جامعه نیز با چالش جدی مواجه شده است. مقدس نوری، دانش‌آموز صنف یازدهم یکی از مکاتب‌های دخترانه در ولایت بدخشان، به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «یکی از هزاران دختر چشم‌به‌راه برای

این روزها در خیابان‌ها و اماکن عمومی به هر سو نگاه کنید، چیزی که جلب توجه می‌کند، دیوارنوشته‌هایی است که زنان را به رعایت حجاب دعوت می‌کند. این دیوارنوشته‌ها را طالبان تهیه دیده و در چهارراه‌ها، ورودی شهرها و کنار شاهراه‌ها در معرض دید عموم قرار داده‌اند. نوشته‌های روی دیوارها حاکی از آن است که مهم‌ترین اولویت گروه طالبان، که اینک خود را نظام اسلامی می‌پندارد، ملزم کردن زنان به حجاب شرعی است. در یکی از این دیوارنوشته‌ها نوشته شده که اگر زنان حجاب را رعایت نکنند، اسلام در خطر می‌افتد. در دیگری گفته شده که خون هزاران طالب ریخته شده تا حجاب از سر زن مسلمان برداشته نشود و از این جهت، برای گروه طالبان الزام حجاب بر زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. در جای دیگری نوشته شده که غرب و استعمار می‌خواهد زنان مسلمان را بی‌عزت کند و فرهنگ بی‌حجابی و برهنه‌گی را در میان آنان رواج دهد و ما وظیفه داریم که در برابر این فرهنگ با تمام توان بایستیم.

شخصی که خالی‌الذهن باشد، موقعی که این نوشته‌های تبلیغاتی را می‌خواند، این برداشت برایش دست می‌دهد که گویا پیش از آمدن طالبان، زنان افغانستان از نظر پوشش و حجاب در وضع بدی قرار داشته‌اند و برهنه‌گی و فساد و فحشا در این کشور بیداد می‌کرده است و اکنون که طالبان بازگشته‌اند، تصمیم دارند زنان را از انحراف نجات دهند و تابع قوانین دینی و فضای جامعه را سالم بسازند. این در حالی است که واقعیت خلاف ادعاهای تبلیغاتی طالبان است. از برگشت طالبان کمتر از دو سال گذشته و ممکن نیست مردم به این زودی همه چیز را به فراموشی سپرده باشند. درست است که زنان در دوران پیش از طالبان از آزادی‌ها بهره می‌بردند و در مورد پوشش‌شان سخت‌گیری‌ای از سوی حکومت وجود نداشت، اما اکثریت مطلق زنان حجاب شرعی را رعایت می‌کردند و رفتاری بروز نمی‌دادند که از نظر محتسبان شهر، شهوت‌انگیز و تحریک‌کننده باشد. البته رعایت حجاب از سوی زنان در دوران پیش از بازگشت طالبان، ممکن است از روی اعتقاد قلبی بوده یا احتمال دارد به منظور مواجه نشدن با برخورد‌های خانواده و جامعه صورت گرفته باشد. هر چه هست این نکته مسلم است که اکثریت زنان در آن زمان، به حجاب پای‌بند بودند و در قیاس با بسیاری از کشورهای اسلامی، زنان افغانستان از لحاظ حجاب در وضعیت بسیار مطلوبی قرار داشتند. چند سال قبل یکی از تحصیل‌کرده‌های افغانستان که شخصی سنتی بود و سال‌های دراز را در خارج گذرانده بود و افغانستان را از نزدیک ندیده بود، پس از آن‌که چند هفته را در کشور سپری کرد، یکی از نکات تعجب‌برانگیز برایش این بود که به تعبیر او، «با وجود این‌همه تلاش غرب برای بی‌حجاب کردن زنان افغانستان، هنوز هم حجاب زنان این کشور در مقایسه به هر کشور اسلامی دیگری قابل قبول‌تر است و تا هنوز غرب موفق نشده در میان آنان رخنه کند.»

## حجاب یانان؛

# کدام در اولویت است؟



شهاب

شایان ذکر است که در مورد تعریف حجاب شرعی در میان دانشمندان مسلمان، بگومگوهای زیاد و کش‌مکش‌های طولانی در طی سده‌ها صورت گرفته و نظرات متفاوتی در این باره ابزار شده است. با این حال، هیچ کدام از این تعریف‌هایی که از سوی علمای شاخص اسلامی پیشنهاد داده شده، سنخیت و مشابهتی با تعریفی که طالبان از حجاب عرضه می‌کنند، ندارد. طالبان به ناروا خود را پیرو مذهب امام ابوحنیفه می‌شمارند، ولی در عمل برخوردشان با حقوق و آزادی‌ها و حجاب زنان، حتا با زن‌ستیزترین دیدگاه‌های گذشته‌گان مطابقت ندارد. طالبان فرهنگ و تجربیات قبیله‌ای خود را به نام حجاب و حمایت از حریم خانواده بر جامعه تحمیل می‌کنند و هیچ پروایی از این ندارند که ممکن است این رویکرد به جای این‌که جایگاه دین را در جامعه استوار کند، سبب شود که در دل مردم بدبینی نسبت به آموزه‌های دینی رخنه و رسوخ کند.

گذشته از آن، با آن‌که فقر و فاقه در افغانستان معاصر همواره زنده‌گی را در کام بخش بزرگی از مردم تلخ ساخته و آن‌ها را در معرض مصایب گوناگون قرار داده، اما پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان، فقر و گرسنه‌گی به‌صورت سرسام‌آوری گسترش و شدت یافته است. حاجتی نیست که به دامن آمار و ارقامی که نهادهای ذی‌ربط بین‌المللی ارایه می‌کنند، بیاویزیم و بربنمای آن، عمق و شدت فقر را در کشور بسنجیم. فقط کافی است در عصر یک روز رمضانی به خیابان‌های پایتخت بیرون شویم و انبوهی از

مردم را در هر کوی و برزن در حالت انتظار برای دریافت کمک از سوی نهادهای خیریه یا اشخاص پول‌دار ببینیم. این‌ها گدای حرفه‌ای نیستند، بلکه اشخاص نورمال‌اند که تا پیش از آمدن طالبان، مشغول زنده‌گی خود بودند و با کاری که داشتند، لقمه نانی برای خانواده خود تهیه می‌کردند. طالبان، هزاران گدا را از سطح شهر جمع‌آوری کرده‌اند، ولی شرایطی را فراهم آورده‌اند که هزاران تن دیگر را به سوی گدایی و زنده‌گی طفیلی سوق دهند. معلوم نیست آینده افغانستان با جمعیتی که بخشی از آن به گدایی و طفیلی‌گری روزگار می‌گذرانند و بخشی دیگر به انواع بیماری‌های روانی گرفتار شده‌اند، چه آینده‌ای خواهد داشت.

اکنون پرسشی که در ذهن به وجود می‌آید، این است: آیا حجاب و خانه‌نشین کردن زنان، مهم‌تر از نان و اقتصاد برای یک کشور است؟ چرا طالبان به جای این‌که تدابیری برای ریشه‌کن کردن فقر و گرسنه‌گی بسنجند، این‌همه تأکید بر حجاب و پرده‌نشینی زنان دارند؟ چرا رژیم طالبان با وضع محدودیت شدید بر زنان و دختران، خفه کردن صدای جامعه مدنی و کشتن و زندانی کردن مخالفان، راه تعامل با دنیا را به روی خود بسته و بدین ترتیب، ساکنان افغانستان را گروگان گرفته و انواع تحریم‌ها و محدودیت‌ها را بر کشور زمینه‌سازی کرده است؟ در جامعه‌ای که فقر و گرسنه‌گی به اوج خود برسد و انسان‌ها برای رفع نیازهای فیزیولوژیک خود انواع مصیبت‌ها را تحمل کنند، چه ضرورتی برای طرح موضوع

حجاب احساس می‌شود؟ آیا طالبان در دنیایی دیگر سیر می‌کنند و هیچ شناختی از مشکلات اصلی مردم ندارند؟ گزارش‌هایی وجود دارد در مورد این‌که با بازگشت طالبان، فحشا در کشور رشد و گسترش یافته است. رشد فحشا در سایه وضعیتی که طالبان به وجود آورده‌اند امری طبیعی و قابل پیشبینی است. فحشا در جامعه‌هایی که انسان‌ها برای دست‌یابی به نیازهای اولیه با مشکل و چالش مواجه باشند، رشد بیشتری می‌یابد. این را مقایسه میان آمارهای مختلف از کشورهای گوناگون ثابت می‌کند. سوالی که باید طرح کرد، این است که اگر طالبان به‌راستی طرفدار عزت و عفت زنان هستند، چرا به عوض تمرکز بر شعارهای میان‌تهی در مورد حجاب، برنامه‌هایی روی دست نمی‌گیرند تا جامعه به سطحی از رفاه برسد که زمینه‌های خدشه‌دار شدن کرامت انسان‌ها عموماً و کرامت و آبروی زنان خصوصاً از بین برود؟ آیا ممکن است اخلاقیات یک جامعه را در سایه فقر و گرسنه‌گی در وضع ایده‌آل نگه داشت؟

در همسایگی ما جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. نظام سیاسی حاکم در این کشور بیش از چهار دهه است که تلاش می‌ورزد پوشش حجاب را در میان زنان و دختران گسترش دهد، اما تا کنون این تلاش‌ها نتنها بی‌نتیجه بوده، بلکه اجبار حکومتی باعث شده زنان به‌صورت روزافزون از حجاب فاصله بگیرند. شاید اگر جمهوری اسلامی ایران می‌توانست در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به دستاوردهای قابل قبول برسد، حرف‌هایش درباره حجاب اسلامی در میان شهروندان ایرانی شنونده بیشتری می‌داشت؛ ولی حالا که اقتصاد این کشور به یمن سیاست‌های رژیم حاکم در ایران در آستانه فروپاشی قرار دارد و همچنین تک‌صدایی در فضای سیاسی ایران حکم‌فرما است، زنان و دختران ایرانی برای اعتراض به وضع موجود با حجاب مورد نظر حکومت ایران مخالفت می‌کنند و ظاهراً قرار هم نیست که در این زمینه کوتاه بیایند.

مقصود این است اگر طالبان به‌راستی در پی این هستند که زنان و دختران حجاب مورد نظرشان را رعایت کنند، می‌باید موفقیت خود را در عرصه حکومت‌داری عملاً به اثبات برسانند و کارنامه‌ای قابل دفاع در عرصه‌های گوناگون از خود برجا بگذارند. شعارهای میان‌خالی و کمپین‌های بی‌محتوا و احساسات‌برانگیز ممکن است عده‌ای از افراد را در کوتاه‌مدت بفریبد، اما آن‌چه در درازمدت کارساز است، عمل‌کرد مطلوب و کارنامه درخشان است. تا این دم، بسیاری از کارهایی که طالبان انجام داده‌اند، نه‌تنها فاصله میان آن‌ها و مردم را بیشتر کرده، بلکه شمار بیشتری از افراد را نسبت به داعیه «حکومت اسلامی» بی‌باور و بدبین ساخته است. مردم اینک به چشم سر می‌بینند که طالبان حق‌تلفی‌های بزرگ را مرتکب می‌شوند، اما می‌کوشند چهره راستین خود را در پشت شعارهای ظاهراً اسلامی مخفی کنند و از اسلام برای توجیه کارهای زشت خود سپری نفوذناپذیر بسازند.

# دوراهی ناامیدی

تیجا

وضعیت عمومی در افغانستان «تراژیک» است. وضعیت تراژیک به وضعیتی گفته می‌شود که هر انتخابی پیامدهای ناگوار در پی داشته باشد. در حال حاضر مردم در دوراهی انتخاب گیر مانده‌اند که هر دو گزینهش برای‌شان تبعات منفی و جبران نشدنی در قبال خواهد داشت. یک سو رژیم استبدادگر و توتالیتر طالبان است و طرف دیگر سیاستمداران ناکاره و تجربه‌شده که هیچ برنامه‌ای برای برون‌رفت از وضعیت موجود و توسعه کشور ندارند. رژیم طالبان فضا را به‌گونه‌ای برای شهروندان تنگ ساخته است که بسیاری از شدت گرسنه‌گی و فقر شب‌ها به جای خوابیدن در بستر، وضعیت سرد استخوان‌سوز زنده‌گی را گویی در گوشه گوری نشسته سحر می‌کنند. در فقدان آزادی عمل و اندیشه، وضعیت برای کسانی که طالبانی نمی‌اندیشند، به‌شدت طاقت‌فرسا است. شهروندان دگراندیش و ترقی‌خواه، در بساط طالبانیسم «مرگ را زنده‌گی می‌کنند». هم اکنون ده‌ها تن از منتقدان خود را که دل‌شان برای بیداری، ترقی و توسعه کشور می‌تپد، در بند کشیده و زیر شدیدترین شکنجه و شنیع‌ترین اعمال غیرانسانی قرار داده‌اند. ده‌ها تن از نظامیان پیشین، ناپدید هستند و هیچ سرنخی از مرگ و زنده‌گی آن‌ها در دست نیست. دختران و زنان معترض در سلول‌های انفرادی زندان‌های رژیم این گروه شکنجه می‌شوند؛ رژیمی که زنان را به جرم معلوم شدن روی و دست‌شان

و قدرت را مال پدری یک گروه خاص می‌دانستند. اکثریت رهبران سیاسی و سیاستمداران در راستای تعمیم قدرت بی‌حدوحصر کسانی در دولت‌های پیشین تلاش کردند که به‌شدت دچار خودستایی بودند. اوج آن خودستایی را می‌توان در کردار و رفتار اشرف غنی، رئیس جمهور پیشین، دید که به‌شکل خسته‌گی‌ناپذیری به انحصارگرایی خود عشق می‌ورزید و نسبت به دیگران نفرت داشت. این سیاستمداران با چنین پیشینه‌ای، برنامه‌های کنونی سیاسی‌شان نیز تن زنجور کودکان خیابانی، زنان و مردانی را که از فقر و بی‌خانمانی، شب‌ها در گوشه‌های قبرها، در بیخ درختان پارک‌ها و زیر پل‌ها به خواب می‌روند، گرم نخواهد کرد. شادی را به کلبه اندوهگین فرزند سرباز که جانش را برای تأمین امنیت از دست داده بود، برنخواهد گرداند یا تغییری در سفره زنان بیوه به میان نخواهد آورد که در خمیر نان فرزندان‌شان برای «زورخوری» خاک مخلوط می‌کنند.

باور وجود ندارد که این سیاستمداران روزنه امید به تغییر افغانستان از وضعیت طالبانی شوند. بنابراین مردم در دوراهی ناامیدی تمام گیر مانده‌اند؛ ناامیدی‌ای که از هر طرف سنجیده شود، بر اندوه‌های تلنبارشده آن‌ها می‌افزاید و غم‌های‌شان را وسعت می‌بخشد. تنها راهی که می‌تواند در جهت مخالف این دوراهی ناامیدی، به

امید منتهی شود، تعیین تکلیف مردم توسط خود مردم است. مردم باید تکلیف خود را با سیاست و قدرت در کشور روشن کنند. در فضای ملت‌هب و آشفته سیاسی و فرهنگی کنونی، به دواهای کرخت‌کننده و تسکین‌دهنده پناه نبرند. با کردار آزادانه و نگاه خردمحورانه، واقعیت‌های جامعه را تحلیل و تجزیه کنند، به سیاست‌ورزی و مفاهیم ناشی از آن با دید تقدس ننگرند، برای تعیین سرنوشت خودشان فکر کنند و اجازه ندهند که کسی به جای آن‌ها فکر کند. نباید اسیر سرنوشتی شوند که فکر می‌کنند برای‌شان نوشته شده است و قابل تغییر نیست. درست است که کشور درگیر تورریسم، افراط‌گرایی و بنیادگرایی از انواع گوناگون آن است، اما با تأمل می‌توان راه یافت و گوهر مقصود از دل توفانی دریا جست‌وجو کرد. راهی را که با فکر و اندیشه می‌توان به آن رسید، در قهرمان‌سازی هیچ کسی دیگر نمی‌توان به آن دست یافت. تنها راهی که ما را از دوراهی ناامیدی نجات می‌دهد، تصمیم شجاعانه و رفتار عاقلانه است. در چنین وضعیتی، باید جسورانه تصمیم گرفت و خردمندانه انتخاب کرد. راهی را که بار دیگر ما را به کرانه‌های ناامیدی و تباهی می‌کشاند، باید بست و به قول سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید». یا به سخن دیگرش: «واژه‌ها را باید شست - واژه باید خود باد، واژه باید خود باران باشد». مردم باید خود انتخاب کنند که چه راهی را می‌پیمایند؛ زیرا بدون خرد و خودآگاهی جمعی، رسیدن دشوار و بسی طاقت‌فرسا است.

## تخلیه خانه‌های دولتی در بلخ؛

# بازنشسته‌گان فابریکه کودوبرق تاچهارم عید فرصت دارند



نگه‌داشتن جنگ‌جویان خود، برای آنان خانه، وظیفه و امکانات دیگر را فراهم کنند. یکی از فعالان مدنی در بلخ به شرط فاش نشدن نامش به روزنامه ۸صبح گفت: «فرماندهان طالبان ۲۰ سال مردم ساده را علیه دولت و ملت افغانستان به جنگ انداختند و بسیاری آنان در این راه کشته شدند، اکنون با دادن خانه و کار در ارگان‌های دولتی و زمین مجبور هستند آنان را راضی نگه دارند. این برنامه طالبان در ولایت‌های سرپل، فاریاب و تخار با کوچ دادن اجباری مردم و گرفتن زمین و خانه‌هایشان ادامه داشته است.»

این در حالی است که کارخانه کود و برق در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در هژده کیلومتری غرب شهر مزارشرف در ولسوالی دهدادی ولایت در ساحه ۶۵ هکتار زمین به همکاری اتحاد جماهیر شوروی سابق تأسیس شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این فابریکه دولتی روزگاری یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولیدی در بخش کود کیمیاوی و برق در کشور بود. از دهه ۶۰ خورشیدی به بعد در اثر تحولات سیاسی و جنگ‌های داخلی در کشور این کارخانه از رونق تولید باز ماند. در دوره جمهوریت از میان سه ماشین تولیدی تنها یک پایه آن فعالیت داشت و از سه هزار کارگر و مامور به یک هزار و ۵۰۰ نفر کارگر کاهش یافته بود. تولیدات این فابریکه نیز در یک شبانه روز به کمتر از دو هزار خریطه کود کیمیاوی رسیده بود. تنها کارگران و ماموران فابریکه کود و برق نیستند که از سوی طالبان وادار به ترک خانه‌های دولتی و وظایف‌شان می‌شوند، بلکه سال‌ها مسوولان قول‌اردوی الفتح طالبان (قول‌اردوی ۲۰۹ شاهین) نیز افسران بازنشسته ارتش را از ساحه رهایی این قول‌اردو اخراج و به جای آنان افراد وابسته به خود را جابه‌جا کردند.

راه خدمت به شکوفایی کشور و فعال نگه‌داشتن این کارخانه صرف کرده‌اند. اکنون اما طالبان برق این ساحه را قطع کرده و به بازنشسته‌گان دستور داده‌اند تا ساحه را ترک کنند.

یکی از بازنشسته‌گان این فابریکه که نخواست نامش در این گزارش درج شود، می‌گوید: «ما در شرایط بد اقتصادی قرار داریم. هزینه بازنشستگی ما کفایت زنده‌گی روزمره ما را نمی‌کند و در این ماه مبارک رمضان علاوه بر تشویش فقر و ناداری، غم اخراج از ساحه رهایی نیز افزوده شده است. در این ماه مبارک رمضان برق بیش از ۲۰۰ خانواده بازنشسته را قطع کردند. کجای این کار به اسلام و قانون برابر است؟» این باز نشسته می‌افزاید: «به جای این‌که ما تشویق شویم، ما را از خانه و کاشانه ما که هر کدام ما ۴۰ یا ۵۰ سال در آن زنده‌گی کرده‌ایم، به زور اخراج می‌کنند. ما در شرایطی فابریکه را فعال نگه داشتیم که جنگ بود و مری از هر طرف می‌بارید و بسیاری از رفقای ما کشته شدند.»

یکی دیگر از ماموران بازنشسته فابریکه کود و برق می‌گوید: «بعد از تهدید اخراج و قطع برق منازل، به رییس عریضه داده‌ایم که درباره تصمیم بازنگیری کند. در ماه مبارک ما به کجا برویم. قاری خالد بعد از چند ساعت انتظار امر وصل دوباره برق را داد، ولی گفت تا چهارم عید رمضان وقت دارید که در ساحه رهایی باشید، تا آن وقت برای خود جا و خانه پیدا نمایید، در غیر آن به زور شما را اخراج می‌کنیم.»

با این حال، استادان دانشگاه و فعالان مدنی در بلخ، این تصمیم طالبان را غیراصولی توصیف می‌کنند و می‌گویند که فرماندهان طالبان مجبورند برای راضی

دست به تصفیه قومی زده و ماموران این فابریکه را به بهانه‌های گوناگون از بست‌های مهم و بلند تبدیل و به جای آنان افراد خود را مقرر می‌کنند. این عضو اتحادیه فابریکه کود و برق می‌افزاید که رییس این فابریکه دولتی سال گذشته بالای باشنده‌گان «ساحه رهایی» که محل سکونت صدها کارگر و مامور این کارخانه است، فشار آورد تا پول صرفیه برق را بپردازند، در حالی که در سال‌های گذشته آنان از پرداخت صرفیه برق معاف بودند. احمد علاوه می‌کند که قاری خالد یک هفته پیش دستور داده است که کارگران بازنشسته دوره‌های پیشین باید خانه‌های ساحه رهایی را ترک کنند؛ زیرا در حال حاضر کارمند بحال این فابریکه نیستند. به گفته او، این دستور غیرمترقبه رییس طالبان برای فابریکه کود و برق همه خانواده‌های ساحه رهایی را شوکه ساخته است.

اعضای اتحادیه کارگران فابریکه کود و برق توضیح می‌دهند که بیش از ۲۰۰ کارمند بازنشسته با خانواده‌های خود در ساحه رهایی فابریکه کود و برق بلخ زنده‌گی می‌کنند که همه آنان جوانی خود را در

۸صبح، بلخ

رییس طالبان برای فابریکه کود و برق در ولایت بلخ به بازنشسته‌گان این فابریکه تولیدی دستور داده است که تا چهارم عید رمضان خانه‌های دولتی را تخلیه کنند. بازنشسته‌گان این فابریکه اما حاضر به ترک خانه‌های دولتی نیستند و می‌گویند که عمر خود را صرف خدمت در این فابریکه کرده‌اند و اکنون حق دارند تا پایان عمر در این خانه‌ها زنده‌گی کنند. اعضای اتحادیه کارگران فابریکه کود و برق نیز می‌گویند که طالبان در نزدیک به دو سال گذشته از راه‌های مختلف بالای کارگران و کارمندان این فابریکه فشار وارد می‌کنند تا وظیفه‌های خود را ترک کنند. فعالان مدنی در بلخ این اقدام طالبان را غیراصولی توصیف می‌کنند و می‌گویند که فرماندهان طالبان به منظور راضی نگه‌داشتن افراد خود مجبورند برای آنان وظیفه، خانه و امکانات دیگری فراهم بسازند. احمد (نام مستعار) یکی از کارمندان فابریکه کود و برق بلخ، در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گوید که قاری خالد، رییس این فابریکه، به‌صورت سیستماتیک و آرام

## افزایش بهای پیازو بادنجان رومی در کابل؛

# شهروندان توان خرید ندارند

۸صبح، کابل



کمبود ترکیاری در بازار عنوان می‌کنند. جمعه‌خان که در «مارکیت سیزی» پیازفروشی دارد، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در حال حاضر پیاز و بادنجان رومی وطنی به بازار نیامده و آن چه در بازار مصرف می‌شود، اقلام وارداتی است. او اضافه می‌کند که در سال گذشته به دلیل افزایش صادرات پیاز به پاکستان، پیاز تولید داخلی تمام شده و اکنون به همین دلیل قیمت‌ها بلند رفته است. جمعه‌خان می‌گوید: «پیاز که در افغانستان بود، سیری کمتر از ۱۰۰ افغانی به پاکستان فروخته شد. پیاز وطنی هم نیامده، حالا از کشورهای هند، ترکیه و مصر وارد می‌شود. طبیعی است که قیمت‌ها به‌گونه بی‌پیشینه، آن هم به‌گونه‌ای که واردات آن کم باشد، بلند می‌رود.»

با این حال، آگاهان اقتصادی می‌گویند که علت‌های زیادی در افزایش بهای ترکیاری دخیل‌اند. به گفته آنان، حمایت نکردن از کشاورزان، ناتوانی در کنترل میزان صادرات، احتکار و اضافه‌ستانی از عوامل عمده افزایش قیمت‌ها در بازار پنداشته می‌شود. فیصل جواد (نام مستعار) استاد دانشگاه و آگاه امور اقتصادی، می‌گوید: «از ده‌ها قین حمایت صورت نمی‌گیرد، حاصلات زراعتی‌شان را به دلیل نبود سردخانه ارزان به فروش می‌رسانند. کشورهای همسایه هم در کمین‌اند و از فرصت‌ها استفاده نموده مال را به قیمت کم خریداری می‌کنند. معمولاً افغانستان نیز نتوانسته کنترل صادرات را به دست بگیرد و از صادرات بی‌رویه جلوگیری کند. مال را ارزان صادر می‌کنیم و دوباره با بهای پنج برابر بلند وارد می‌کنیم. افزایش آبی قیمت‌ها در بازار نشان می‌دهد که تاجر دست به احتکار می‌زند. تقاضا زیاد می‌شود و تاجر عرضه را محدود می‌کند. همین است که قیمت‌ها افزایش می‌یابد.»

این‌همه در حالی است که شهرداری کابل زیر اداره طالبان هرازگاهی نرخ‌نامه جدید توزیع می‌کند، اما دکان‌داران و فروشنده‌گان می‌گویند که این نرخ‌نامه‌ها مقرون به صرفه نیست و نمی‌توانند آن را تطبیق کنند.

محی‌الدین در منطقه کوه‌سنگی کابل با برادرش پیازفروشی می‌کند. او چندین سال است که با کراچی دستی‌اش در این منطقه مصروف کار است. محی‌الدین می‌گوید که بلند رفتن قیمت‌ها سبب کسادی کاروبار آنان نیز شده است. این فروشنده که همه‌روزه به مارکیت می‌رود و از آن‌جا پیاز برای فروش می‌گیرد، توضیح می‌دهد: «پیش از ماه مبارک رمضان یک سیر پیاز را به ۳۷۰ افغانی می‌گرفتم، اما حالا یک سیر پیاز به ۴۵۰ افغانی رسیده است. البته پیاز سرخ به همین قیمت است، در حالی که قیمت یک سیر پیاز سفید ۵۶۰ افغانی است که مردم خریداری کرده نمی‌توانند.» محی‌الدین از کسادی کار شکایت دارد: «قیمت‌ها ارزان بود، یک نفر می‌آمد سه کیلو یا یک سیر می‌خرید، اما حالا هیچ کس از یک کیلو بالا نمی‌گیرد. بلند رفتن قیمت، فروشات ما را هم کم کرده است. روز چهارشنبه یک سیر پیاز سرخ از مارکیت به ۴۵۰ گرفتم، در حالی که پیاز سفید به ۴۶۰ بود. به دلیل این‌که کسی نمی‌خرد، نیوردم. سابق هر کی می‌آمد، چهار کیلو تا یک سیر می‌گرفت، حالا نیم کیلو تا یک کیلو کسی بالا نمی‌گیرد.»

عمده‌فروشان در مارکیت ترکیاری در شهر کابل اما علت افزایش بهای پیاز و بادنجان رومی را بلند رفتن تقاضا و

در ماه مبارک رمضان استفاده می‌کنند. باشنده‌گان کابل در حالی از افزایش بهای پیاز و بادنجان رومی شکایت دارند که به گفته آنان همه‌ساله به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان، به دلیل استفاده زیاد، قیمت‌ها در بازار افزایش پیدا می‌کند.

روح‌الله، باشنده ناحیه سوم شهر کابل، با تایید سخنان زلمی می‌گوید که افزایش قیمت‌ها به‌ویژه پیاز و بادنجان رومی در ماه رمضان که بیشتر مصرف می‌شود، او را نگران ساخته است. روح‌الله می‌افزاید که مردم توان خرید ندارند، تاجران احتکار می‌کنند و دولت کنترل ندارد. این باشنده کابل خاطر نشان می‌سازد که او سه روز پیش از ماه رمضان یک کیلو پیاز را در بدل ۵۵ افغانی و یک کیلو بادنجان رومی را در بدل ۳۰ افغانی خریده بود، اکنون اما یک کیلو بادنجان رومی به ۶۵ و یک کیلو پیاز به ۸۰ افغانی رسیده است. روح‌الله بیشتر می‌گوید: «طالب آن را می‌پردازد. اگر قانون مشخص و کنترل قیمت در بازار باشد، در یک هفته در فی کیلو ۴۰ افغانی افزایش قیمت ممکن نیست. این هر سال یک عرف برای تاجر شده که در ماه مبارک قیمت‌ها را افزایش می‌دهند و از مجبوری مردم سوءاستفاده می‌کنند.»

افزایش آبی قیمت پیاز و بادنجان رومی در یک هفته مشخص می‌سازد که شهرداری زیر اداره طالبان هیچ کنترلی در بازار ندارد. افزایش قیمت پیاز و بادنجان رومی و ثابت نبودن نرخ روزانه، دست‌فروشان را نیز نگران ساخته است. آنان می‌گویند که افزایش بهای این دو قلم جنس سبب شده که مردم کمتر خرید کنند.

با فرارسیدن ماه رمضان، باشنده‌گان کابل از افزایش بهای پیاز و بادنجان رومی در بازارهای پایتخت کشور شکایت دارند و می‌گویند که افزایش قیمت‌ها قدرت خرید را از آنان گرفته است. باشنده‌گان پایتخت بازرگانان را به اضافه‌ستانی متهم می‌کنند و خاطر نشان می‌سازند که شهرداری کابل زیر اداره طالبان قادر به کنترل نرخ‌ها نیست. فروشنده‌گان توضیح می‌دهند که کمبود اقلام در بازار و افزایش تقاضا سبب می‌شود تا نرخ‌ها بلند برود. با این حال، آگاهان اقتصادی می‌گویند که عدم حمایت از کشاورز، عدم جلوگیری از صادرات بی‌رویه، احتکار و اضافه‌ستانی تاجران سبب می‌شود که نرخ اقلام به‌صورت آبی افزایش یابد.

زلمی، یکی از باشنده‌گان شهر کابل، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که قیمت پیاز و بادنجان رومی در جریان کمتر از دو هفته به‌صورت کم‌پیشینه افزایش یافته است. به گفته او، در شرایطی که مردم با وضعیت بد اقتصادی دست‌و‌گریبان هستند و توان خرید ندارند، قیمت هر کیلو بادنجان رومی و پیاز بین ۲۰ تا ۴۰ افغانی بلند رفته است. زلمی می‌افزاید که پیش از ماه رمضان یک کیلو رومی ۳۰ افغانی بود، اما اکنون قیمت آن در بازارهای کابل بین ۶۵ تا ۷۰ افغانی است.

این باشنده کابل توضیح می‌دهد: «در ۱۰ روز یک کیلو پیاز و یا رومی که ۳۰ افغانی بلند برود، شما فکر کنید آدم غریب در حالی که بیکاری هم است، چه کند. یک روز پیش از ماه مبارک رمضان یک کیلو رومی را از دکان به ۳۵ افغانی گرفتم، اما حالا یک کیلو رومی به ۷۰ افغانی است. همین دو قلم را در هر خانه به‌خصوص



## آتش سوزی در اسپانیا؛ چندین شهر تخلیه شدند

منطقه سرسبز «آستوریاس» در شمال اسپانیا در پی دست کم ۹۰ آتش سوزی ویران شده است. رویترز گزارش داده است که این آتش سوزی ها روز جمعه، ۳۱ مارچ، آغاز و در پی آن چندین شهر این کشور تخلیه شده است.

دولت اسپانیا اعلام کرده که گمان می رود بیشتر آتش سوزی ها توسط آتش فروزانی که رهبر منطقه آستوریاس، آن ها را «تروریست های آتشین» عنوان کرده، صورت گرفته باشد.

آدریان باربون، رییس دولت آستوریاس، در توییتش نگاشته است: «آن ها آستوری های ما را می سوزانند. ما با تروریست های واقعی روبه رو هستیم که زنده گی و شهرها را به خطر می اندازند.»

دولت اسپانیا اعلام کرده است که پس از زمستان خشک غیرعادی در بخش هایی از جنوب اروپا و افزایش میانگین دمای هوا به دلیل تغییرات اقلیمی، نگران است که آتش سوزی های جنگلی بیشتری در سال جاری به وقوع بپیوندد.

ده ها آتش سوزی در دو روز گذشته توسط خدمات اورژانس در آستوریاس و منطقه همجوار کانتابریا مهار شده است.

مقامات این کشور گفته اند که بیشتر آتش سوزی ها عمداً جرقه زده شده و در اثر باد های شدید شعله ور شده اند.

پولیس گفته که تحقیقات متعددی را آغاز کرده است، اما هنوز هیچ عامل آتش زا شناسایی نشده است. مجازات آتش سوزی بسته به خسارت وارده به ۲۰ سال زندان می رسد.

در گذشته، آتش سوزی های عمدی اغلب به دامداری مرتبط بوده است که به دنبال به دست آوردن چراگاه بیشتر برای گاوهای خود بودند.

آستوریاس در سال ۲۰۱۷ قانون محدود کردن علف چرها در مناطق جنگلی آسیب دیده از آتش سوزی را لغو کرد.

**دولت اسپانیا اعلام کرده است که پس از زمستان خشک غیرعادی در بخش هایی از جنوب اروپا و افزایش میانگین دمای هوا به دلیل تغییرات اقلیمی، نگران است که آتش سوزی های جنگلی بیشتری در سال جاری به وقوع بپیوندد.**



# جایگاه سارنوال در قوانین اساسی افغانستان

در دوران جمهوری افغانستان بین سال های ۱۳۶۶ - ۱۳۶۹ خورشیدی دو قانون اساسی مرعی الاجرا گردید. فصل نهم قانون اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی تحت عنوان سارنوالی، تشکیل این اداره را در ماده ۱۱۷ خویش چنین روشن گردانیده بود: «سارنوالی جمهوری افغانستان سیستم واحد مبتنی بر اصل مرکزیت بوده، متشکل است از:



نصر الله ستانکزوی

در روزهای پسین طالبان با اصدار فرمان غیرملی، غیرمسلسلی و خلاف ضوابط بین المللی، اداره سارنوالی افغانستان را لغو و به عوض آن اداره ای به نام «لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام» را ایجاد کرده اند. این در حالی است که هیچ نوع سند تقنینی مبنی بر اجراءات، صلاحیت ها و وظایف اداره جدید وجود ندارد.

سارنوالی که از زمان استقلال افغانستان به بعد به نام های وکیل اثبات جرم، کاتب جزا، مدعی العموم و سارنوالی یاد شده، با سابقه یک قرن به عنوان اداره عمده حراست از قانون در ساختار نظام عدلی کشور وجود داشته است.

همچنان امروز در نظام های حقوقی مختلف جهان هیچ کشوری وجود ندارد که در آن اداره سارنوالی (Attorney General Office) البته با تفاوت های ساختاری و حدود صلاحیت ها و وظایف وجود نداشته باشد؛ زیرا بدون موجودیت این اداره تطبیق معیارهای جهانی موازین محاکمه عادلانه ناممکن شده و عدالت جنایی مفهومی را از دست می دهد.

پس به منظور شناسایی مبنایی جایگاه سارنوالی در کشور، نگاه مختصری به قوانین اساسی افغانستان می اندازیم.

برای نخستین بار در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ خورشیدی سارنوالی در چارچوب نص قانون به عنوان اداره تحقیق و تعقیب عدلی جرم پیش بینی شد. در ماده ۱۳۰ آن قانون اساسی چنین صراحت وجود داشت: «تحقیق جرایم از طرف مدعی العموم که جزء قوه اجرائیه دولت است، مطابق احکام قانون صورت می گیرد.»

در دوران نخستین جمهوری افغانستان به استناد ماده ۱۰۶ قانون اساسی سال ۱۳۵۵ خورشیدی سارنوالی جزو قوه اجرائیه شناخته شده بود که صلاحیت های آن تحقیق و تعقیب جرم و اقامه دعوی جزایی در پیشگاه محکمه بود؛ اما سارنوالی نظامی جزو تشکیلات دیوان حرب وزارت دفاع ملی بود. در این خصوص ماده فوق الذکر چنین مشعر است: «کشف جرایم از طرف پولیس، تحقیق، تعقیب و اقامه دعوی جزایی از طرف سارنوال که جزء قوه اجرائیه هستند، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.»

کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم می گردد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان

که در سال ۱۳۵۹ خورشیدی نافذ شد، فصل هشتم آن در چهار ماده صلاحیت های سارنوالی را تعیین کرد. تحقیق، تعقیب جرم و اقامه دعوی جزایی و در کنار آن نظارت از رعایت یک سان قوانین برعهده این اداره بود. ماده ۶۰ آن اصول اساسی چنین صراحت داشت: «لوی سارنوال و سارنوالان از تطبیق و رعایت یک سان قوانین توسط تمام ارگان های مرکزی و محلی قدرت دولتی و اداره، موسسات دولتی، مختلط و خصوصی، سازمان های اجتماعی، مسوولین امور و اتباع نظارت می کند.»

لوی سارنوالی به عنوان یک ارگان مستقل دولت، صرف نزد شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان (عالی ترین مرجع قدرت دولتی) جوابده بود. در این مورد ماده ۶۱ آن اصول اساسی چنین مشعر بود: «لوی سارنوال از فعالیت های خود نزد شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاس آن نزد هیات رییس شورای انقلابی مسوول است.»

ماده ۵۹ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن آن که حدود فعالیت و وظایف آن را مشخص می ساخت، تاسیس سارنوالی های اختصاصی (سارنوالی های اختصاصی قوای مسلح و انقلابی) را نیز پیش بینی کرده بود. ماده فوق الذکر در آن اصول اساسی چنین تسجیل شده بود: «لوی سارنوال جمهوری دموکراتیک افغانستان رهبری فعالیت ارگان های سارنوالی کشور را به دوش دارد. سارنوالی جمهوری دموکراتیک افغانستان سیستم واحد استوار بر اصل مرکزیت را تشکیل داده و مرکب از لوی سارنوالی و سارنوالی های ولایات، شهرها، ولسوالی ها و علاقه داری ها می باشد.»

سارنوالی اختصاصی مطابق به احکام قانون تشکیل شده می تواند. ارگان های سارنوالی در اجراءات خود مستقل از ارگان های محلی بوده و صرف تابع لوی سارنوال می باشد.»

در دوران جمهوری افغانستان بین سال های ۱۳۶۶ - ۱۳۶۹ خورشیدی دو قانون اساسی مرعی الاجرا گردید. فصل نهم قانون اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی تحت عنوان سارنوالی، تشکیل این اداره را در ماده ۱۱۷ خویش چنین روشن گردانیده بود: «سارنوالی جمهوری افغانستان سیستم مبتنی بر اصل مرکزیت بوده، متشکل است از:

لویه سارنوالی، سارنوالی های ولایات، لوی ولسوالی ها، ولسوالی ها، علاقه داری ها، شهرها، نواحی و سارنوالی قوای مسلح.

دولت می تواند در سیستم واحد سارنوالی، سارنوالی اختصاصی ایجاد نماید.»

مطابق این قانون اساسی سارنوالان در اجراءات خود مستقل شناخته شده بودند. همچنان براساس صراحت ماده ۱۱۹ آن قانون، لوی سارنوال و معاونان آن برای شش سال از طرف رییس جمهور تعیین می گردیدند.

ماده ۱۲۰ قانون اساسی فوق الذکر صلاحیت های سارنوالی را چنین بیان کرده بود: «نظارت عالی بر تطبیق و رعایت یک سان قوانین از طرف تمام وزارت ها و سایر ارگان های مرکزی اداره دولتی، کمیته های اجرایی شوراهای محلی، موسسات دولتی، مختلط، خصوصی، ادارات، کوپراتیف ها، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی مسوولین امور و اتباع، برعهده لوی سارنوال و سارنوالان تحت

امر او می باشد.» به استناد ماده ۹۴ آن قانون اساسی، در کنار سایر مقام ها و نهادهایی که صلاحیت پیشنهاد وضع، تعدیل و الغای قوانین به شورای ملی را داشتند، لوی سارنوالی نیز از این صلاحیت برخوردار بود.

به استناد حکم ماده ۱۴۶ قانونی اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی، برای بررسی اتهام های وارده علیه رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، اعضای هیات های اداری مجلسین شورای ملی، صدراعظم و معاونان او، اعضای شورای وزیران، قاضی القضاة و اعضای ستره محکمه، لوی سارنوال و معاونان او و رییس شورای قانون اساسی محکمه خاص پیش بینی شده بود.

براساس حکم ماده ۶۶ قانون اساسی سال ۱۳۶۹ خورشیدی، لوی سارنوال در کنار سایر ذوات اعضای لویه جرگه عضو آن جرگه شناخته شده بود. همچنان به استناد ماده ۱۴۷ آن قانون اساسی لوی سارنوال و همسر او باید از والدین افغان متولد شده می بودند. این ماده چنین صراحت داشت: «در جمهوری افغانستان اشخاصی که خود و یا همسرشان از والدین افغان متولد نگردیده باشند، به حیث معاون رییس جمهور، صدراعظم، معاون صدراعظم، وزیر، قاضی القضاة، لوی سارنوال، افسر عالی رتبه و یا کارمند دیپلماتیک تعیین شده نمی تواند.»

ناگفته نماند که در قانون اساسی سال ۱۳۶۹ خورشیدی بعضی تعدیلات در مقایسه به قانون ماقبلش به ملاحظه می رسد. به استناد حکم ماده ۱۱۷ آن اداره، سارنوالی واحد شده است؛ یعنی همه انواع سارنوالی اعم از ملکی و عسکری تحت ساختار واحد قرار گرفته بودند.

در ماده ۱۱۹ مدت زمانی کار لوی سارنوال و معاونان او که در قانون ماقبلش پیش بینی شده بود، حذف شده است. چنان که این ماده مشعر است: «لوی سارنوال و معاونان لوی سارنوال طبق قانون توسط رییس جمهور تعیین می گردند.

لوی سارنوال نزد رییس جمهور مسوول و مکلف به ارایه گزارش می باشد.»

قابل یاد دهنی است که براساس حکم ماده ۵ قانون اساسی اخیر الذکر، قضاة و سارنوالان نمی توانستند در زمان تصدی وظایف شان عضویت احزاب سیاسی را داشته باشند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نافذ سال ۱۳۸۲ خورشیدی، در خصوص سارنوالی و امور مربوط بدان به نصوص ذیل برمی خوریم:

در فصل رییس جمهور این قانون اساسی به استناد فقره ۱۱ ماده ۶۴ آن تعیین لوی سارنوال، عزل و قبول استعفا او از صلاحیت های رییس جمهور شناخته شده است. این فقره چنین مشعر است: «تعیین وزرا، لوی سارنوال، رییس بانک مرکزی، رییس امنیت ملی و رییس سره میاشفت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفا آن ها.»

براساس حکم فقره ۲ ماده ۱۱۰ قانون اساسی مذکور، لوی سارنوال عضو لویه جرگه البته بدون حق رای پیش بینی شده است.

در مورد صلاحیت ها و وظایف سارنوالی در ماده ۱۳۴ این قانون اساسی چنین آمده است: «کشف جرایم توسط پولیس و تحقیق و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف سارنوال مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.»

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ Shaparsepahr@gmail.com

نشانی پستی: ۰۲۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

۸ صبح  
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیر مسوول: محمد محق  
سر دبیر: حسیب بهش  
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی  
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/HashtSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

بر بنیاد گزارش‌ها، دولت هند در بیانیه‌ای اعلام کرده که بدهی خارجی این کشور ۱.۲ درصد نسبت به سه ماه سوم افزایش یافته و به ۶۱۳.۱ میلیارد دلار در پایان دسامبر سال گذشته میلادی رسیده است. خبرگزاری رویترز روز جمعه، ۳۱ مارچ، گزارش داده است که ضرر ارزش گذاری در ماه‌های سپتامبر تا دسامبر به دلیل کاهش ارزش دلار امریکایی در برابر سایر ارزهای اصلی مانند یورو و پوند انگلیس ۳.۸ میلیارد دلار بوده است. در اوایل ماه روان میلادی، شاکیکتانتا داس، رئیس بانک مرکزی هند، گفته بود که کل بدهی خارجی هند به‌خوبی در محدوده قابل مدیریت است. گفتنی است که اقتصاد هند چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است. هند با رشد اقتصادی متوسط هشت درصد طی هشت سال گذشته به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده است.

### ازدحام در مرکز توزیع مواد غذایی در پاکستان ۱۱ کشته برجای گذاشت

پولیس پاکستان اعلام کرده که ازدحام جمعیت در یک مرکز توزیع مواد غذایی در این کشور، منجر به کشته شدن دست‌کم ۱۱ تن به شمول زنان و کودکان شده است.

این رویداد روز جمعه، ۳۱ مارچ، در شهر کراچی رخ داده است.

بر بنیاد گزارش الجزیره، این حادثه زمانی رخ داده است که شماری از زنان و کودکان در «زه‌کشی» باز افتاده‌اند.

ساکنان محلی گفته‌اند که یک دیوار نیز در نزدیکی «زه‌کش» فرو ریخته و سبب کشته و زخمی شدن مردم شده است. گفتنی است که پاکستان با یکی از بدترین بحران‌های اقتصادی تاریخ خود مواجه است. از زمانی که دولت پاکستان هفته گذشته طرحی را برای اهدای آرد رایگان به خانواده‌های کم‌درآمد در ماه رمضان به هدف کاهش تاثیر تورم رکوردشکنی فقر فرآینده آغاز کرده است، جمعیت زیادی از مردم در مراکز توزیع مواد خوراکی تجمع می‌کنند.

بحران سیاسی، سقوط ارزش روپیه پاکستان، افزایش شدید تورم، خسارات گسترده سیل ویرانگر اخیر و کمبود منابع انرژی، اقتصاد این کشور را در لبه پرتگاه ورشکستگی قرار داده است.



### امریکا از شهروندانش خواست تا فوراً روسیه را ترک کنند

در پی بازداشت خبرنگار وال استریت ژورنال به اتهام جاسوسی از سوی روسیه، وزارت امور خارجه امریکا از شهروندانش خواسته تا خاک آن کشور را ترک کنند.

ودانت پاتیل، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا، در نشست خبری ناوقت روز پنج‌شنبه، ۳۰ مارچ، از تمام شهروندان این کشور که در روسیه به سر می‌برند یا در حال سفر به این کشور هستند خواسته تا خاک این کشور را فوراً ترک کنند و به روسیه سفر نکنند.

ودانت پاتیل از شهروندان امریکا در روسیه خواسته تا برای کمک برای خروج با سفارت امریکا در مسکو در تماس شوند.

پاتیل گفته که مشاهده شد، چگونه روسیه خبرنگاران و فعالان مدنی را با فشار بازداشت کرده است. این خواست وزارت امور خارجه پس از آن مطرح شده است که اوایل روز پنج‌شنبه، ۳۰ مارچ، ایوان گرشکوویچ، خبرنگار وال استریت ژورنال، به اتهام جاسوسی از سوی مسکو دستگیر شد.

وال استریت ژورنال همان روز، این اتهام به خبرنگار خود را رد کرد. در همین حال، کاخ سفید نیز اقدام روسیه را محکوم و آن را مضحک خواند و گفت که هدف قرار دادن شهروندان امریکایی توسط دولت روسیه غیرقابل قبول است. اخیراً روابط میان واشنگتن و مسکو بر سر جنگ اوکراین به تیره‌گی گراییده است.



### صندوق بین‌المللی پول ۱۵.۶ میلیارد دلار به اوکراین کمک می‌کند

گفتنی است که از حمله نظامی روسیه به اوکراین بیش از یک سال می‌گذرد و در این مدت در کنار وارد شدن تلفات جانی به دو طرف، خسارات هنگفت مالی نیز به زیر ساخت‌ها در اوکراین وارد شده است.

به گفته مقام‌ها در کی‌یف، نظامیان روسی از زمان حمله تا کنون، بیشتر زیرساخت‌ها را هدف قرار داده‌اند و از این بابت میلیون‌ها شهروند اوکراین از خدمات مسکن، برق و صحت محروم شده‌اند.

پیش از این، نهادهای بین‌المللی برآورد کرده بودند که بازسازی زیرساخت‌های ویران شده اوکراین درگیری‌های یک سال گذشته، بیش از ۴۰ میلیارد دلار هزینه دارد.

غرب و کشورهای اروپایی همواره کمک‌های مالی و تسلیحاتی به کی‌یف ارائه کرده‌اند.

رئیس جمهور اوکراین از تصویب کمک ۱۵.۶ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول به این کشور خبر می‌دهد.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، جمعه‌شب، ۳۱ مارچ، در صفحه توئیترش نوشته است که صندوق بین‌المللی پول برنامه ارسال کمک چهارساله به اوکراین را تصویب کرده است. او افزوده است: «من از صندوق بین‌المللی پول برای تصویب یک برنامه حمایتی چهارساله ۱۵.۶ میلیارد دلاری سپاس‌گزاری می‌کنم.»

رئیس جمهور اوکراین، این کمک را در امر مبارزه این کشور با حمله روسیه مهم دانست. وی اما مشخص نکرده است که این کمک‌ها در بخش نظامی هزینه خواهد شد یا بازسازی شهرهای ویران شده در اوکراین.

### تمدید استقرار هواپیما بر جورج بوش در دریای مدیترانه



امریکا استقرار «ناو» هواپیما بر جورج بوش در دریای مدیترانه را تمدید کرده است.

واشنگتن پست گزارش داده است که این اقدام روز جمعه، ۳۱ مارچ، به هدف فراهم ساختن گزینه‌هایی پس از حملات اخیر در سوریه، صورت گرفته است. بر بنیاد این گزارش، این تصمیم به این معنا است که «گروه حمله بوش» و بیش از پنج هزار نیروی امریکایی که اکنون در منطقه عملیاتی مرکز فرماندهی بخش اروپایی ارتش ایالات متحده هستند، طبق برنامه پیشین به بندر خود در این کشور باز نخواهند گشت. جو بوچینو، سخنگوی ستاد فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام)، تمدید استقرار این هواپیما را تأیید کرده و افزوده است: «توسعه این گروه ضربتی ناو هواپیما بر جورج اچ دبلیو بوش قابلیت‌های سنتکام را برای پاسخگویی به طیفی از حوادث احتمالی در خاورمیانه تقویت می‌کند.»

او به استقرار سریع و برنامه‌ریزی شده یک اسکادران از هواپیماهای جنگنده «ای-۱۰» در منطقه نیز اشاره کرده است.

### رئیس جمهور پیشین امریکا و اتهام جنایی؛ ترامپ ممکن است هفته آینده دادگاهی شود



در پی طرح اتهام توسط یک ستاره پورنوگرافی علیه ترامپ، دادستان‌ها در منهن امریکا کیفرخواستی را در مورد رئیس جمهور پیشین امریکا صادر کرده‌اند که وی را در معرض تسلیم‌دهی به دادگاه قرار می‌دهد.

آسوشیتدپرس گزارش داده است که این کیفرخواست روز پنج‌شنبه، ۳۰ مارچ، صادر شده است. ترامپ به پرداخت رشوه [حق‌السکوت] به استورمی دنیلز، ستاره فلم‌های پورن و کارن مک‌دوگال، مدل، در جریان کارزارهای انتخاباتی سال ۲۰۱۶ متهم است؛ امری که رابطه جنسی خارج از ازدواج ترامپ را افشا می‌کند.

دادستان‌ها در منهن گفته‌اند که در حال کار برای هماهنگ کردن تسلیم‌دهی ترامپ به دادگاه هستند که ممکن است اوایل هفته آینده اتفاق بیفتد. با این حال، آنان نگفته‌اند که در صورت محکومیت، ترامپ زندانی خواهد شد یا خیر.

در صورت محکومیت، دونالد ترامپ به نخستین رئیس جمهور امریکا تبدیل خواهد شد که با ارتکاب جرایم جنایی محکوم می‌شود.

منابع به آسوشیتدپرس گفته‌اند که از ترامپ خواسته شده تا خود را امروز (جمعه، ۳۱ مارچ) به دادگاه تسلیم کند.

ترامپ که ارتکاب هر گونه تخلف در جریان کارزارهای انتخاباتی را رد کرده، صدور این کیفرخواست را «آزار و شکنجه سیاسی» خوانده است.

این اتهامات در حالی علیه دونالد ترامپ مطرح شده است که وی عملاً کارزار انتخاباتی خود برای اشتراک در انتخابات ۲۰۲۴ را آغاز کرده است و این ممکن است کار او را برای پیروزی دشوارتر کند.

### ویمبلدون محرومیت ورزشکاران روسیه و بلاروس را از حضور در مسابقات لغو کرد

ویمبلدون اعلام کرده است که به محرومیت ورزشکاران روسیه و بلاروس از حضور در این رقابت‌ها پایان داده است.

باشگاه آل‌انگلیستان روز جمعه، ۳۱ مارچ، گفته است که تنس‌بازان این دو کشور می‌توانند به عنوان «بی‌طرف» در رقابت‌های امسال اشتراک کنند. سال گذشته ویمبلدون به دلیل تهاجم روسیه بر اوکراین، ورزشکاران روسی و بلاروسی را از حضور در این رقابت‌ها منع کرده بود.

با این حال دانیل مدوف، مرد شماره یک سابق جهان و آرینا سابلانکا قهرمان اوپن استرالیا در بخش زنان، در رقابت‌های امسال اشتراک خواهند کرد.

هفته گذشته، کمیته بین‌المللی المپیک نیز اعلام کرد که برای برگشت تدریجی ورزشکاران روسی و بلاروسی به رقابت‌ها ورزشی توصیه‌های را صادر کرده است تا در المپیک ۲۰۲۴ فرانسه اشتراک کنند.